

زیر خاکی های شلمچه

چهل روایت از حسن نجفی

مجموعه خاطرات روزهای نبرد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	و جعلنا من بین ایدیهم سدا و.....
۱۱	مشتی مه.....
۱۳	مستی تو کامیون آشپزخانه فرار کردیم.....
۱۷	سید قلندر.....
۲۱	وقتی لوله ها پاره می کنند.....
۲۳	رضا چرا راه نمی آید؟.....
۲۷	وقتی ماه روی خورشید می بیند.....
۲۹	پل جهنمی.....
۳۱	هالالی.....
۳۷	قنوت.....
۳۹	محاصره.....
۴۱	مرا هم ببر.....
۴۳	شفاعت کردم که بمانی.....
۴۵	جعفر زوار.....
۴۹	بریم تانک ها را بزنیم؟.....
۵۳	دعای مادر.....
۵۵	تقدیر عجیب ماندن!!.....
۵۹	غم کرده.....
۶۳	خدا چه زود صدای مرا شنید.....

۶۷		مسیح در شلمچه ظهور کرد.
۶۹		فرمانده تنها.
۷۳		سلام برادر.
۷۵		راز از آخرین نگاه.
۷۷		برنی.
۷۹		وقتی بزغاله هایه دایمی آیند.
۸۳		زیرخاکی ها، شلمچه.
۸۷		من اینجام.
۹۱		اسرار شب.
۹۵		پنجشنبه های مرموز.
۱۰۱		خلافت.
۱۰۳		آن دورهای نزدیک.
۱۰۵		بعثی های نامرد.
۱۰۹		وقتی نور بالام پرید.
۱۱۳		وقتی امام حسین نیامد.
۱۱۹		گندمزارهای تب کرده.
۱۲۳		رنج.
۱۲۷		فرار.
۱۳۱		شوار و غنی.
۱۳۵		وقتی برای مادر مرقصیدم.
۱۳۹		هاتف.